

پل الوار شاعر سوررئالیست فرانسوی (۱۸۹۵-۱۹۵۲) قطعه‌ی مشهور آزادی را در سال‌های اشغال میهنش از سوی آلمان نازی سرود. او در این قطعه، نحوی ساده را با تصویرهایی جسورانه به هم می‌آمیزد. شعر در دفتر شعر و حقیقت به سال ۱۹۴۲ از سوی انتشارات Seghers به چاپ رسیده است.

بر دفترهای دبستانم

بر میز و بر درختان

بر شن‌ها بر برف‌ها

نامت را می‌نویسم

بر همه‌ی صفحه‌های خوانده شده

بر همه‌ی صفحه‌های سپید

سنگ خون کاغذ یا خاکستر

نامت را می‌نویسم

بر تصویرهای زرین

بر سلاح جنگاوران

بر دیهیم پادشاهان

نامت را می‌نویسم

بر جنگل‌ها بر بیابان‌ها

بر آشیانه‌ی پرندگان و بر گل‌های طاووسی

بر بزواک صدای کودکی ام

نامت را می‌نویسم

بر شگفتی‌های شبانگهان

بر نان سپید شبان روزان

بر فصل‌های نامزدی

نامت را می‌نویسم

بر همه‌ی کهنه پاره‌ی آسمان لاجوردینم

بر تالاب خورشید کبک‌زده

بر دریاچه مهتاب‌زنده

نامت را می‌نویسم

بر کشتگان بر افق

بر بال و پر پرندگان

بر آسیاب سایه‌ها

نامت را می‌نویسم

بر بازدم سحرگاه

بر کشتی بر دریا

بر کوهسار جنون‌زده

نامت را می‌نویسم

بر کف ابرها

بر عرق توفان‌ها

بر باران غلیظ بی‌طعم

نامت را می‌نویسم

بر شکل‌های درخشنده

بر ناقوس رنگ‌ها

بر حقیقت جسمانی

نامت را می‌نویسم

بر کورمه‌راه‌های برخاسته از خواب

بر جاده‌های باز

بر میدان‌های لب‌الب

نامت را می‌نویسم

بر چراغی که افروخته می‌شود

بر چراغی که خاموش می‌شود

بر خانه‌های ویرانم

نامت را می‌نویسم

بر میوه‌ی دو پاردهی

آئینه و اتاقم

بر صدف خالی تخت‌خوابم

نامت را می‌نویسم

بر سگ‌دله‌ی مهربانم

بر گوش‌های برافراشته‌ی او

بر پامای ناتز موده‌اش

نامت را می‌نویسم

بر آسمانه‌ی درگاه‌ام

بر اشیای آسمای همه‌روز

بر موج شعله‌ی متبرک

نامت را می‌نویسم

بر همه‌ی بیکرهای هم‌مانک

بر بیشانی رفقایم

بر هر دستی که دراز می‌شود

نامت را می‌نویسم

بر شیشه‌ی دیدارهای نامنتظر

بر لبان مراقب

فراسوی مرزهای سکوت

نامت را می‌نویسم

بر پنجاه‌گاه‌های ویرانم

بر قانوس‌های دریایی در هم شکسته‌ام

بر دیوارهای دلتنگیم

نامت را می‌نویسم

بر غیبت بدون تمایل

بر تنهایی برهنه

بر پله‌های مرگ

نامت را می‌نویسم

بر سلامت بازگشته

بر مخاطره‌ی از سر گذشته

بر امید بدون خاطره

نامت را می‌نویسم

با همه‌ی توانایی یک‌وازه

زندگی از سر می‌گیرم

من برای شناختن تو به دنیا آمده‌ام

برای نامیدن تو

آزادی!

سروده‌ای از شادروان

دکتر مصطفی رحیمی

با الهام از شعر «آزادی» اثر پل الوار

بر آرزوی گرم فرو مرده در دریغ

بر نقش هر امید فرو مانده در فریب

بر چشم‌های خسته ز شب‌های انتظار

بر اشتیاق‌های نناالیده از درنگ

بر خنده‌ی نهفته به سیمای دردمند

بر گفته‌های نغز نجوشیده بر زبان

بر بوسه‌های گرم فرو مرده بر لبان

بر اشک‌های شوق، بر گریه‌های تلخ

بر سایه‌ی هر اس

بر چهره‌ی امید

نام تو می‌نویسم ...

*

بر روی لاله‌ای که خزان‌ش به خاک ریخت

بر روی بوته‌ای که کویرش ز ریشه سوخت

بر روی شکوفه‌ای که ندیده است روی روز

بر روی جوانه‌ای که نهان است زیر پوست

بر تاک، بر گیاه

بر برگ‌های پید

بر زنبق سپید

نام تو می‌نویسم ...

*

بر خون آن غزال که در دشت دور مرد

بر برگ گل که زود بپژمرد و باد برد

بر خار آن کون که غبارش به چهره ماند

بر آفتاب شسته به دریای سیم‌رنگ

بر خار بوته‌ای که ز دیوار سر کشید

بر دشت‌های تشنه‌ی باران پامداد

بر باد سوگوار، بر بید اشک‌بار

بر روی بیشه‌ها

بر روی خوشه‌ها

نام تو می‌نویسم ...

*

بر روی کیسوان کهربار کوهسار

- بر روی آبشار -

بر آن شطرنج‌میده ز صحرای ریگزار

بر خاک بر غبار

بر روی راه‌ها که عیان می‌شوند و کم

بر سرخی شفق، بر زردی غروب

بر روی خرمنی که کشد انتظار باد

بر چهره دشتبان که کشد انتظار صبح

بر چادری که خانه بدوشی زند به دشت

بر مخمل غروب، بر تاج آفتاب

بر روی کشتزار، بر روی مرغزار